

چقدر زشتیم ما...

به فکر مسیری تازه برای اقتصاد
نگاه‌مان و قلب‌مان باشیم



صوفیا نصرالهی
روزنامه‌نگار

۱ می‌خواهم خرق عادت کنم و از فعال شدن مکانیسم ماشه ننویسم و از روحیه‌ی مردم و نگرانی اقتصادی و این راه‌حل عجیب‌وغریب همیشگی گشت‌زدن پلیس در مراکز خرید و فروش ارز و دستور دادستانی برای مقابله با خبرهایی که امنیت روانی را به‌هم می‌زنند، نگویم. کوتاه اینکه همه‌ی این‌ها را قبلاً هم امتحان کردیم؛ نه به اقتصاد کمک کرد، نه به تولید، نه به کنترل قیمت ارز و طلا و نه به معیشت مردم. شاید باید به مسیر جدیدی فکر کنید.

۲ از سرگرمی‌های این روزهایم تماشای آگهی‌های تبلیغاتی خارجی و مقایسه‌ی آن با نمونه‌های ایرانی (که اکثراً کپی از همان خارجی‌ها هستند) و تلاش برای درک شیوه‌های برندینگ در آن‌هاست. برخی از آن‌ها چنان خلاقانه هستند و سناریوی کاملی برای چند دقیقه‌شان دارند که در حد یک اثر سینمایی یا یک اپیزود سریال سرگرم‌کننده مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همین امسال برند نوشیدنی استلا آرتویسی برای مسابقات سوپرپول ۵۹ (لیگ فوتبال آمریکایی) تبلیغی به‌نام «دیوید و دیو» پخش کرد که دیوید بک‌هام به‌عنوان سفیر این برند روبه‌روی مت دیومون قرار می‌گرفت.

سناریو به این شکل بود که بازیکن بزرگ فوتبال، به شیوه‌ی فیلم‌های هندی، درواقع برادر مت دیومون است و سلیقه‌ی مشترک آن‌ها را عشق به این برند نوشیدنی شکل می‌دهد. آخر تبلیغ وقتی بحث سر شهرت بک‌هام می‌شود، با زوج بازیگری مت دیومون و بن افلک هم شوخی می‌کند. فقط یک دقیقه و پر از خلاقیت، شوخ‌طبعی و یک فیلم کامل. درمقابل، نسپرسو با جورج کلونی به‌عنوان سفیر برندش، بازی را باخت. هرچند آگهی تبلیغاتی‌اش به‌لحاظ تصویری به‌شدت خوب کار شده و کارگردانی خوب‌اش هم محسوس بود، اما سناریوی آن بازه و جالب نبود.

حالا چه نمونه‌ی موفق و چه ناموفق را مقایسه کنید با آگهی‌های بازرگانی ما که در آن از فوتبالیست‌ها یا بازیگرها استفاده می‌شود. اول اینکه باید تناسبی بین شهرت طرف با برندی که سفیرش می‌شود، وجود داشته باشد. مثلاً دیوید بک‌هام به‌خاطر شوت‌های دقیق در فوتبال مورد توجه بود و منطقی است در تبلیغی ظاهر شود که مربوط به برندی است که مسابقات فوتبال آمریکایی را پشتیبانی می‌کند. یا وقتی جورج کلونی سفیر نسپرسو شد، ستاره‌ای بود که از جذابیت‌اش برای برند قهوه بهره بردند. در ایران ولی برندها انگار از روی پولی که دارند، فهرست آدم‌های مشهور را جلوی‌شان می‌گذارند و زنگ می‌زنند که ببینند وقت کدام یکی خالی است. چه در حد بیلبوردها، چه سفیر برند و چه آگهی تبلیغاتی، همه چیز ضد خلاقیت و سلیقه عمل می‌کند. همین شده که در اتوبان‌های تهران الان یک بیلبورد هم نمی‌بینیم که چشم‌مان را خیره کند.

۳ زشتی بند دوم را فراموش کنید چون چیزی که می‌خواهم اینجا بنویسم، آن قدر زشت است که آدم از شرم آب می‌شود. آن روزی که گفتیم در برابر بر خورد با پناهندگان و مهاجران افغانی بی تفاوت نباشید و نگویید که غزه و گرسنگی کودکان به ما چه ربطی دارد، چون کم‌کم در خانه‌مان هم زشت و بی تفاوت می‌شویم؛ برای این روزها بود. دوست نابینایی دارم که به‌همراه چند دوست دیگر به یکی از این پاساژهای به اصطلاح لوکس بالای شهر رفته بود. حراست دم در پاساژ، متوقف‌شان کرده و با توهین‌آمیزترین لحن با آن‌ها صحبت کرده تا صاحب یکی از مغازه‌ها آمده و آن‌ها را به داخل مغازه دعوت کرده است. اینکه چرا نگه‌بان یک پاساژ گران باید انقدر قسی‌القلب و بی‌رحم نسبت به آدم دیگری باشد، اصلاً برام قابل درک نیست. من و بقیه‌ی رفقا البته پایش ایستاده‌ایم که این نگه‌بان باید جواب پس بدهد. اما شما ببینید که زشتی و تاریکی چطور در ما رخنه کرده. فقیر و پولدار هم ندارد. انسانیت اینجا در خطر است.

۲۴ ساعت

24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: AFC

قوی‌تر از بهانه‌ها

بررسی شانس ۳ نامزد نهایی برترین مربی زنان
که مرضیه جعفری سرمربی تیم ملی ایران نیز در میان آنها است



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

فوتبال زنان در حال شکوفایی در قامت بین‌المللی است؛ چه به‌لحاظ نتایج تیمی، چه به‌لحاظ افتخارات فردی. این‌بار برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال زنان ایران، نام یک سرمربی ایرانی در فهرست نامزدهای برترین‌های سال آسیا قرار گرفته و مرضیه جعفری شانس بسیار بالایی برای کسب این افتخار بزرگ در اختیار دارد. مراسم برترین‌های فوتبال آسیا امسال در بخش زنان برای ما بسیار مهم‌تر از بخش مردان است؛ چراکه در بخش مردان، فوتبال ایران بارها به این جایزه رسیده است؛ از علی دایی و علی کریمی تا مهدی مهدوی کیا که در یک بازه زمانی کوتاه، فوتبالیست‌های ایرانی پای ثابت این جایزه بزرگ و ارزنده بودند. در سال جاری اما حالا مرضیه جعفری می‌تواند تاریخ‌سازی کند؛ هم برای خودش، هم برای فوتبال زنان ایران و بیش از پیش ارزش‌های خودش را به دنیا نشان دهد. در این گزارش قصد داریم به‌بهانه حضور جعفری در جمع سه کاندیدای نهایی مربی سال آسیا، احتمال پیروزی سرمربی تیم ملی را بررسی کنیم.

شکست غم

کمتر کسی از زندگی پرفرازونشیب مرضیه جعفری مطلع است. اوایل دهه ۸۰ برای سرمربی فعلی تیم ملی ایران، اتفاقات وحشتناکی رخ داد. مرضیه جعفری در سال ۱۳۸۲ پس از زلزله دلخراش بم که جان عده زیادی از هموطنان‌مان را گرفت، بسیاری از بازیکنان «خاتون بم» که شاگردانش بودند را از دست داد، اما کوتاه نیامد و بار دیگر به فوتبال برگشت. در سال ۱۳۹۹ که هنوز دنیا درگیر ویروس کرونا بود، خانم جعفری پسر نوجوان خود را به‌دلیل ابتلا به این ویروس منحوس از دست‌داد. در آن‌روزها، مرضیه جعفری در آستانه کسب هشتمین جام قهرمانی در لیگ برتر با «خاتون بم» بود. مرضیه جعفری، برادر خود را نیز بر اثر ایست قلبی در سال ۱۴۰۰ از دست‌داد. اما تمام این اتفاقات بسیار تلخ، برای او درسی شد که محکم‌تر از همیشه مقابل غم‌ها قرار بگیرد.

احتمال تاریخ‌سازی

بعد از سال‌ها، انگار روز طلایی برای فوتبال زنان ایران فرا رسیده تا مرضیه جعفری شانس خود را برای مراسم برترین‌های قاره آسیا در کشور عربستان امتحان کند. او می‌تواند اولین زن ایرانی باشد که جایزه برترین مربی زنان را در بخش فوتبال در تاریخ فوتبال ایران کسب می‌کند. افتخاری که پیش از این نصیب هیچ مربی زن ایرانی‌ای نشده است. این پیروزی احتمالی می‌تواند نقطه عطفی برای فوتبال زنان ایران باشد که طی یک‌دهه اخیر با عبور و مبارزه علیه سختی‌های موجود در این رشته، توانستند گام‌به‌گام پیش بروند و موفق شوند. او هم‌زمان هدایت تیم ملی زنان ایران و باشگاه «خاتون بم» را برعهده دارد و توانسته در هر دو جبهه، نتایج درخشانی کسب کند. تیم ملی زنان ایران با هدایت او، برای دومین‌بار در تاریخ، به مرحله نهایی جام ملت‌های آسیا راه یافت. موفقیتی که نشان‌دهنده برنامه‌ریزی مدون فدراسیون فوتبال برای فوتبال زنان دارد و از طرف دیگر، جسارت و درایت مرضیه جعفری را نشان می‌دهد که «شکست» برای او تعریف نشده است. او با ۱۱ قهرمانی با «خاتون بم»، این‌بار توانست در قامت سرمربی تیم ملی ایران، موفقیتی ملی کسب کند.

رقبای سرسخت جعفری

پیروزی در این رقابت اما آسان نیست؛ چراکه مرضیه جعفری دو رقیب اتفاقاً قدرتمند و صاحب‌سبک دارد که در نوع خود، هرکدام شانس بالایی برای پیروزی در این عرصه بزرگ دارند. خانم «لئو کوئی هوا» از کشور چین تائیه که هم‌زمان هدایت تیم ملی کشورش را برعهده دارد و خانم «ونگروتای سراتونگویان» از تایلند که علاوه بر کار در تیم ملی زنان این کشور سرمربی تیم زیر ۲۰ سال تایلند هم است؛ دو چهره‌ای هستند که سابقه و تجربه بالایی در سطح قاره دارند. هر دو مربی از شرق آسیا، رقیب جدی مرضیه جعفری از غرب این قاره هستند. نکته مهم این است که مربی تایلندی مقابل «خاتون بم»، سال گذشته در رقابت‌های آسیایی شکست خورد؛ مربیگری «خاتون بم» در سال گذشته هم با جعفری بود.

از «خاتون بم» تا تیم ملی

با این حال شانس او برای کسب عنوان قاره‌ای همچنان بالا ارزیابی می‌شود؛ چراکه کنفدراسیون فوتبال آسیا علاوه بر عملکرد فنی مربیان، اراده آنها در کسب عناوین قهرمانی را نیز می‌سنجد. کنفدراسیون فوتبال آسیا قطعاً امکانات محدود فوتبال ایران را در قیاس با کشورهای شرق آسیا لحاظ کرده است. همچنین کاستی‌های فوتبال زنان ایران و البته سختی‌هایی که طی دوده‌ها اخیر تجربه کرده را بررسی کرده است. دوم آن که موفقیت «خاتون بم» در لیگ قهرمانان و صعود به جمع هشت تیم برتر این قاره با مربیگری مرضیه جعفری، موضوع مهمی است که بررسی شده است. چراکه این رقابت باشگاهی، سطح بالای فوتبال زنان آسیا را به‌نمایش می‌گذارد و حضور تیم ایرانی در جمع هشت تیم برتر قاره، اتفاقی تاریخی است. عامل دیگر، تأثیر اجتماعی مرضیه جعفری است که با وجود سختی‌های باورنکردنی‌ای که در زندگی خود تجربه کرده و پشت‌سر گذاشته، بازهم برای جوانان یک الگو مناسب از جنگندگی است. این بخش از زندگی شخصی او که جعفری را از یک زلزله مهیب و مخرب بیرون کشیده و تبدیل به موفق‌ترین مربی زن در بخش فوتبال شده، قطعاً از سوی داوران و رأی‌دهندگان لحاظ خواهد شد.

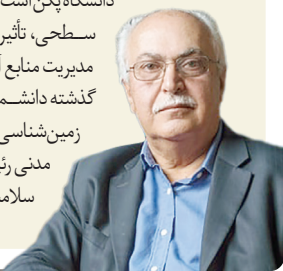
الهام‌بخش فوتبال زنان

مراسم معرفی برترین‌های قاره کهن قرار است ۲۴ مهرماه در ریاض برگزار شود. جعفری اگر بتواند در این رویداد جایزه بهترین سرمربی فوتبال زنان آسیا را به‌دست آورد، نخستین زن ایرانی‌ای خواهد بود که چنین افتخاری را از آن خود می‌کند. حتی اگر این جایزه به او نرسد، حضورش در میان سه نامزد نهایی، خود یک پیروزی بزرگ و الهام‌بخش برای جامعه فوتبال ایران است. باتوجه به کارنامه درخشان مرضیه جعفری طی یک‌سال اخیر که هم با «خاتون بم» در لیگ برتر ایران به مقام قهرمانی رسید، هم موفق شد با این تیم به جمع هشت تیم برتر در لیگ قهرمانان آسیا صعود کند و بعد در قامت سرمربی تیم ملی ایران بعد از ۱۲ مسابقه با ناکامی که توسط مربیان قبلی رقم خورده بود، توانست نه‌تنه این تیم را از بحران خارج کند، بلکه به دور نهایی جام ملت‌های آسیا برساند؛ باعث می‌شود تا یکی از شانس‌های اصلی این جایزه لقب بگیرد. هر چند دو رقیب دیگر جعفری، افتخارات قابل توجهی طی یک‌سال اخیر دارند، اما باتوجه به امکاناتی که در اختیار این سه مربی به‌لحاظ سخت‌افزاری بوده، طبعاً شانس مرضیه جعفری برای پیروزی در این عرصه فردی، بسیار بیش از سایر رقبای شرق آسیاست. بیست‌وچهارم مهرماه ۱۴۰۴، در شهر ریاض چشم میلیون‌ها هوادار فوتبال به قاب تلویزیون است تا شاید بار دیگر افتخار، بزرگی و تلاش فوتبال زنان را ببینیم.

چهره

مدال ویلیام بویی در دست سروشیان

بالا ترین مدال اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا به‌نام مدال ویلیام بویی، به پروفیسور سروش سروشیان اهدا شد. سروشیان؛ استاد ممتاز مهندسی و رئیس کرسی مهندسی ساموئلی در دانشگاه کالیفرنیاست. مدال ویلیام بویی که از ۸۵ سال پیش به‌صورت سالانه از طرف اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا (AGU) به دانشمندان بر جسته جهان اهدا می‌شود، بالاترین افتخار علمی در این حوزه محسوب می‌شود. در توضیح AGU، آمده که این مدال به پاس سهم بر جسته سروشیان در علم و عمل آب‌شناسی و دیدگاه نوآورانه در توسعه محصول جهانی بارش، به او اعطا شده است. سروشیان متولد سال ۱۳۲۷ در کرمان است و سال‌هاست در دانشگاه‌های آمریکایی مشغول تدریس است. او علاوه بر اینکه مدیر مرکز هیدرومتئورولوژی و عضویت آکادمی ملی مهندسی آمریکا را داراست، جوایز متعددی نیز از ناسا، یونسکو و دیگر مجامع علمی دریافت کرده و استاد افتخاری دانشگاه پکن است. تحقیقات او در زمینه بارش و هیدروولوژی سطحی، تأثیرات زیادی بر پیش‌بینی‌های اقلیمی و مدیریت منابع آب در جهان داشته است. در سال‌های گذشته دانشمند ایرانی دیگری نیز جوایزی از اتحادیه زمین‌شناسی آمریکا دریافت کرده است، از جمله کاوه مدنی رئیس کنونی موسسه آب، محیط‌زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل متحد.



کتابخانه

کانت، نسبیت و بحران علم

انتشارات نیلوفر به‌تازگی کتاب «کانت و فلسفه علم» را منتشر کرده که خوانشی تازه و تازبخمند از فلسفه این فیلسوف نام‌آور است. نویسنده کتاب، مایکل فریدمن؛ استاد فلسفه دانشگاه استنفورد و متفکری بر جسته در سنت نوکانتی است. فریدمن، در این کتاب با نگاهی تازه به فلسفه کانت، جایگاه آن را در مباحث معاصر فلسفه علم بررسی کرده است. کتاب «کانت و فلسفه علم» مشتمل بر مجموعه‌ای از مقالاتی است که هرکدام به‌موضوعی مستقل می‌پردازند، اما در مجموع یک خطفکری روشن را دنبال می‌کنند که عبارت است از فهم عقلانیت علمی در بستر تاریخی. به اعتقاد فریدمن، پس از انقلاب‌های بزرگ علمی، مفاهیم پیشینی کانت همچنان نه به‌صورت مطلق، بلکه به‌عنوان پیش‌بینی‌هایی تاریخی و نسبی شده قابل استفاده هستند. او از هندسه در نسبیت عام تا بحران عقلانیت پس از کوهرن را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که فلسفه علم تنها از مسیر بازاندیشی تاریخمند می‌تواند بر شکاف‌های عقلانی‌اش غلبه کند. این کتاب منبعی جدی و چالش‌برانگیز برای علاقه‌مندان به فلسفه علم و اندیشه کانتی است که نشر نیلوفر آن را در ۴۱۴ صفحه و به قیمت ۵۴۰ هزار تومان منتشر کرده است.



کانت و فلسفه علم
نویسنده:
مایکل فریدمن
مترجم: سعید جعفری
انتشارات: نیلوفر

تاریخ

عملیات اوسیراک



هشتم مهرماه ۱۳۵۹، نیروی هوایی ارتش ایران طی عملیاتی غافلگیرانه به‌نام «شمشیر سوزان»، نیروگاه هسته‌ای در حال ساخت اوسیراک در مرکز تحقیقات اتمی التویه را که در آستانه

تکمیل و دریافت سوخت بود، بمباران کردند. هدف نیروی هوایی ایران از حمله به این تأسیسات، بازداشتن رژیم عراق از تبدیل شدن به قدرت اتمی بود. در این عملیات، به‌دلیل کمبود اطلاعات از وضعیت راکتور، مشکل در سوختگیری هوایی و خطر نشت آلاینده‌های هسته‌ای به شهرهای اطراف نظیر بغداد، هدف اصلی حمله، منهدم کردن تأسیسات جانبی اطراف راکتور به‌جای خود راکتور بود. بنابر گزارش خلبانان ایرانی، کل زمانی که فانتوم‌ها روی تأسیسات بودند به شش ثانیه هم نمی‌رسید و به‌همین دلیل هیچ‌کدام از پدافند‌های مستقر در تأسیسات فرصت این را که به هواپیماها شلیک کنند، پیدا نکردند. این حمله پیشگیرانه، نخستین حمله هوایی به یک راکتور هسته‌ای و یکی از سه حمله به تأسیسات هسته‌ای در طول تاریخ است. حدود ۹ ماه پس از اجرای این عملیات، نیروی هوایی اسرائیل در عملیات اپرا، تأسیسات اتمی اوسیراک را به‌طور کامل منهدم کرد.